

الگوی تربیت عقلانی از منظر فارابی با تأکید بر عقل عملی

فریا عادل زاده لمپنی^۱، رضاعلی نوروزی*^۲، جهانیش رحمانی^۳

چکیده

هدف کلی از انجام این پژوهش، ارائه یک الگو، شامل اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی است. در این پژوهش گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه مجموعه آثار فارابی و کتاب‌هایی در زمینه نظریات تربیتی فارابی به روش فیش برداری صورت گرفته است. در انجام این پژوهش از روش استنتاجی فرانکنا استفاده شده است؛ به این صورت که در مرحله اول با استفاده از نظام مقوله‌بندی قیاسی، مطالب مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به آنها در مرحله بعد گزاره‌های واقع‌نگر معین شده‌اند و در آخر با استفاده از روش استنتاجی فرانکنا، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی با توجه به دیدگاه فارابی درباره عقل در حیطه عقل عملی مشخص شده است. در پایان نیز نتیجه‌گیری شده است که هدف غایی تربیت عقلانی فارابی، نیل به الله به‌عنوان سبب اول در راستای رسیدن به سعادت است و اهداف واسطه‌ای تربیت عقلانی، در حیطه عقل عملی عبارتند از: فعلیت یافتن قوه عاقله (خردورزی)، تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)، ایجاد فضایل اخلاقی در میان امت‌ها، ساختن شخصیت معتدل و تحقق مدینه فاضله. اصول تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی از این قرارند: اصل آمادگی، اصل تربیت‌پذیری (تأدیب)، اصل مسئولیت‌پذیری (عاملیت فردی)، عدم تمامیت شناخت انسان، اصل استدراج. روش‌های تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی نیز از این قرارند: مشاهده، توجه به توانایی افراد (دادن تکلیف بر اساس توانایی)، کسب تجربه، تأدیب، تهذیب اخلاق، تعاون (همدلی و همکاری)، تکرار و تمرین و آموختن حکمت.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

واژگان کلیدی

عقل عملی، اهداف تربیت عقلانی، اصول تربیت عقلانی، روش‌های تربیت عقلانی، فارابی

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه

در اسلام رشد و پرورش بعد عقلانی در نظم‌دادن به چهارچوب فکری آدمی جایگاه ویژه‌ای دارد. به صورتی که برخی معتقدند که خصیصه بارز تربیت اسلامی، توجه به عقل و تأکید بر بعد عقلانی به‌عنوان یک نیروی بالقوه در وجود انسان است. البته باید توجه داشت که این نیرو خود به خود شکوفا نمی‌شود و لازمه رشد و پرورش آن و فراهم شدن زمینه رسیدن آدمی به سعادت و کمال، هدایت و تربیت درست و اصولی آن است. بنابراین برای ایجاد زمینه مناسب برای رشد و پرورش قوه تفکر آدمی تربیت عقلانی ضروری است.

در نظام معرفتی فلسفه اسلامی نیز، عقل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ عقل از مسائل بنیادی در فلسفه مشاء است. اندیشمندان و فیلسوفان مختلفی در مورد عقل و تربیت عقلانی نظر داده و مدل‌هایی را پیشنهاد داده‌اند. در این میان فارابی با بیان «نظریه عقل» خود نقش برجسته و دیدگاه ارزنده‌ای دارد. فارابی به‌عنوان مؤسس فلسفه اسلامی با استفاده از نظرات و اندیشه‌های دو فیلسوف مشهور یونانی، افلاطون و ارسطو و انتخاب عقلانی اندیشه‌های آنها در باب تعلیم و تربیت و تأیید و تقویت آنها تحت لوای اندیشه دینی توسط آموزه‌های دینی، توانست بین فلسفه یونان و اسلام رابطه برقرار نماید و سیستم تربیتی بدیعی را پایه‌گذاری کند و در ارائه اندیشه‌ها و نظریه‌های فلاسفه پس از خود تأثیر انکارناپذیری داشته باشد.

فارابی در رساله ارزنده «فی‌العقل» به بررسی معانی متعدد و متنوع واژه عقل پرداخته است و لازمه سعادت‌مندی انسان را رسیدن از خردمندی به خردورزی در سایه ارتباط با عقل فعال دانسته است.

این رساله قابل توجه، دومین اثر معرفت‌شناختی فارابی است. صاحب‌نظران این حوزه وقوف به معرفت‌شناسی فارابی را مستلزم بررسی نظریه پیچیده فارابی درباره عقل می‌دانند. فارابی با دقت و تبحر خاص و ابتکاری، معانی و کاربردهای متعدد و متنوع واژه عقل را در شش معنای مهم و کاربردی بیان کرده است:

نخستین نوع عمده عقل یا خرد همان فضیلتی است که عوام مردم به منزله ویژگی موجود انسانی همچون موجودی خردورز و هوشمند (عاقل) مدنظر دارند. لغت کلیدی عربی که اینجا برای این نوع از عقل به کار رفته است، تعقل است که می‌توان آن را «حزم»، «قوة تمیز»، «فهم» و یا «توان قضاوت» ترجمه کرد (نتون، ۱۳۹۵: ۸۳).

دومین نوع عمده عقل همان است که مدنظر دیالکتیسین‌ها و متکلمان مدرسی (المتکلمین) است که ناهی منکر یا امر به فعلی مثبت است. گونه‌ای شناخت بی‌واسطه یا بداهت همراه این نوع عقل است (نتون، ۱۳۹۵: ۸۴).

سومین عقل فارابی را شاید به راحتی بتوان ادراک طبیعی وصف کرد. این عقل قوه‌ای از نفس است که به فرد توان کسب قطعیت (الیقین) در بعضی از اصول درست ضروری و گزاره‌های بنیادی جهانشمول را می‌دهد. این توانایی مشتق از قیاس یا مهارت‌های منطقی یا اندیشه نیست؛ بلکه ریشه در طبیعت هر فردی دارد یا دست‌کم در هر انسان بالغ پدیدار می‌شود (نتون، ۱۳۹۵: ۸۴).

چهارمین عقل -عقل تجربی- که موضوع این پژوهش است، به‌سادگی صدای متعالی وجدان فارابی است. این کیفیت احتیاط اخلاقی است که به واسطه آن شخص می‌تواند خیر را از شر تمیز دهد و با مفهوم حزمی که ملازم عقل نوع اول بود، کاملاً همپوشانی دارد. این عقل نیز جزئی از نفس است؛ قوه‌ای است که از تجربه طولانی نشئت می‌گیرد (نتون، ۱۳۹۵: ۸۵). این عقل همان عقل عملی است.

عقل عملی آن است که انسان چیزهایی را درمی‌یابد که با خواست و اراده، شایسته انجام و عمل است. گونه‌ای از عقل عملی مبدأ کار و عمل است و به وسیله آن پیشه‌ها و کارها را انجام می‌دهد (و نام آن مهنته یعنی انجام‌گر چیره‌دست و ماهر و زیرک در انجام دادن است) و گونه دیگر مبدأ اندیشه و فکر است، و او درمی‌یابد که چه چیز شایسته است تا انجام گردد، و یا چه چیز شایسته است تا انجام نگیرد (و نام آن مرویه یعنی اندیشه‌گر و خردمند، خواهد بود) (فارابی، ۱۳۹۶: ۳۴). پنجمین عقل از عقول فارابی، مهم‌ترین و پیچیده‌ترین آنها نیز هست. بیشترین فضای "فی‌العقل" فارابی را نیز اشغال می‌کند. فارابی این عقل را به سه گونه عقل فرعی تقسیم می‌کند: ۱. عقل بالقوه؛ ۲. عقل بالفعل؛ ۳. عقل مستفاد؛ (نتون، ۱۳۹۵: ۸۵) و همچنین توجه به عقل فعال (جبرئیل)، به‌عنوان عامل مؤثر در طی کردن این درجات توسط انسان.

ششمین و آخرین عقل در این تقسیم شش‌گانه عقول نزد فارابی بدل به اصل نخستین یا عقل الهی می‌شود؛ به عبارتی خود خداوند است که منبع هرگونه تعقلی است (نتون، ۱۳۹۵: ۹۰).

این‌گونه تنظیم سلسله مراتب عقل (نفس) انسانی، برای نخستین بار توسط فارابی انجام گرفته است و از جمله ابداعات او به شمار می‌رود. فلاسفه بعد از او، آن را پایه و اساس دیدگاه خود در باب عقل قرار دادند و در آن تغییراتی ایجاد کردند. اساس این تقسیم‌بندی بر پیوند آدمی با جهان غیرمادی گزارده شده است و این پیوستگی به واسطه عقل فعال حاصل می‌شود. حرکت از مرحله قوه به فعل در عقول انسان توسط عقل فعال انجام می‌شود. به نظر فارابی عقل فعال مانند خورشید است که به چشم نور می‌دهد، سعادت را به انسان عطا می‌کند و انسان را به خدا وصل می‌کند.

برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه اندیشه فارابی که به موضوع پژوهش نزدیک است

عبارتند از:

میرزامحمدی (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی آراء و اندیشه‌های تربیتی حکیم ابونصر فارابی» بیان کرده است که با توجه به جایگاه رفیع تعلیم و تربیت در اندیشه فارابی، هدف اصلی تربیتی او، حرکت دادن انسان به سوی خداست.

ربانی، نوروزی و قادری (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم» هدف از وجود انسان را رسیدن به سعادت کامل یعنی دنیوی و اخروی بیان کرده‌اند و لازمه رسیدن به این سعادت را ارتباط و تعامل با دیگران در جهت کسب فضایل می‌دانند.

هاشمی و نوروزی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر تربیت اخلاقی از دیدگاه فارابی» به بررسی ارزش‌شناسی فارابی، حسن و قبح و فضایل مد نظر او پرداخته، سپس دلالت‌های تربیتی را در سه محور اهداف، اصول و روش‌ها بیان کرده‌اند.

میرزامحمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مبادی معرفت شناختی فارابی در رساله فصوص الحکمه و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن» اصول، اهداف و روش‌های تربیتی را بر اساس مبادی معرفت‌شناسی فارابی در رساله فصوص الحکمه مشخص کرده است.

عادلزاده نایینی، نوروزی و رحمانی (۱۳۹۹الف) در مقاله خود با عنوان «تدوین مدل تربیت عقلانی فارابی با تأکید بر عقل نظری» با استفاده از روش استنتاجی فرانکنا اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی فارابی را در حیطه عقل نظری مشخص کرده و یک مدل شامل اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل نظری ارائه داده‌اند، اما اشاره‌ای به حیطه عقل عملی نداشته‌اند.

عادلزاده نایینی، نوروزی و رحمانی (۱۳۹۹ب) در پژوهشی دیگر با عنوان «روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی» به تبیین روش‌های کسب معرفت در تربیت عقلانی از منظر فارابی پرداخته و در آخر آموختن علم، مشاهده، و کسب تجربه را به عنوان روش‌های کسب معرفت در اندیشه فارابی مشخص کرده‌اند.

با وجود اهمیت عقل و تربیت عقلانی در فلسفه فارابی پژوهشی جامع در راستای تبیین الگویی برای تربیت عقلانی با توجه به آراء و اندیشه‌های او در حیطه عقل عملی به عنوان مؤسس فلسفه اسلامی انجام نگرفته است و ضرورت دارد؛ لذا در این پژوهش تلاش شده است که اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی از منظر فارابی در حیطه عقل عملی مشخص شده و در آخر با استفاده از آنها الگویی برای تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی تدوین شود.

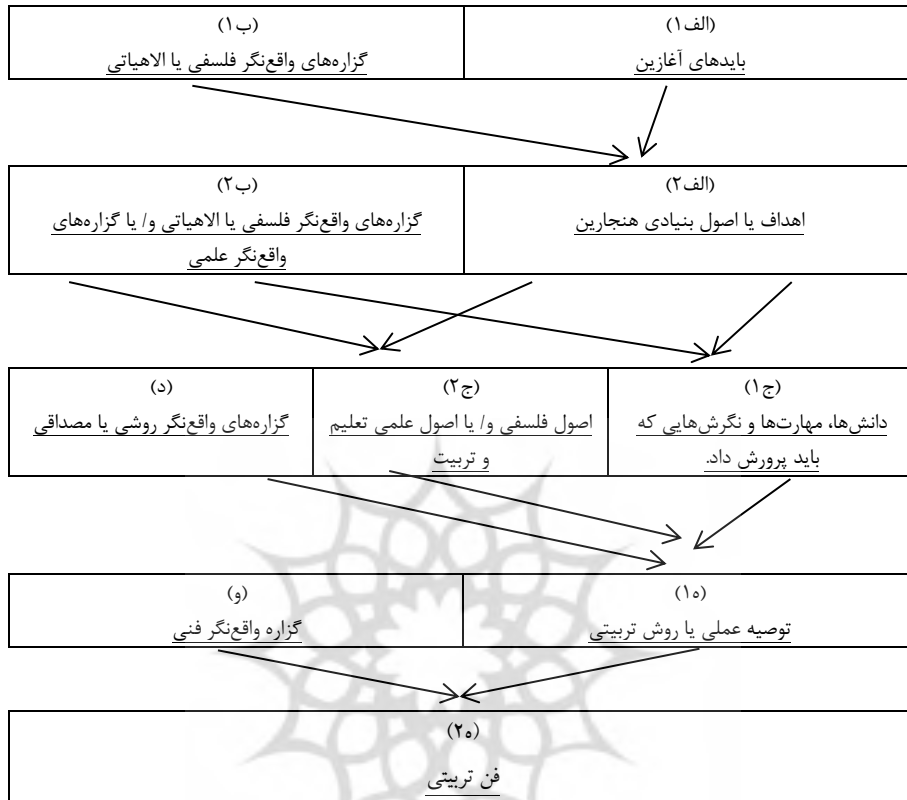
روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش قصد دارد تربیت عقلانی را از منظر فارابی در حیطه عقل عملی بررسی نماید و بر اساس آن به تدوین یک الگوی تربیت عقلانی بپردازد. بر اساس موضوع پژوهش، روش مورد استفاده، روش کیفی خواهد بود. در پژوهش کیفی متن به‌عنوان مجموعه اطلاعات و به‌عنوان

ابزاری برای تفسیر است. متنی که محقق پس از گردآوری اطلاعات آماده کرده به‌عنوان جانشینی به جای واقعیت مورد مطالعه قرار می‌گیرد (فلیک، ۱، ۱۳۹۴: ۵۰). در این پژوهش از بین روش‌های پژوهش کیفی با توجه به اهداف پژوهش، روش استنتاجی انتخاب شده است. در این پژوهش با توجه به اهداف آن، پژوهش‌گران، با مطالعه منابع مختلف به روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد و فیش‌برداری از آثار فارابی و آثار دیگران مرتبط با موضوع، به گردآوری اطلاعات مورد نیاز و پاسخگویی به سؤالات مختلف پژوهش پرداخته‌اند. در گردآوری داده‌های این تحقیق از منابع دست اول و منابع دست دوم استفاده می‌شود. منابع دست اول شامل آثار فارابی و انتشارات رسمی ایشان می‌باشد. منابع دست دوم شامل آثار دیگران است که درباره دیدگاه‌های مختلف و تربیتی فارابی با تأکید بر مطالبی که به نحوی با موضوع عقلانیت فارابی مرتبط است، به رشته تحریر درآمده‌اند. بنابراین روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، شیوه بررسی اسناد و مدارک است.

در این پژوهش تلاش شده است که با استفاده از روش استنتاجی فرانکنا اهداف تربیت عقلانی فارابی استخراج شده سپس با توجه به اهداف اصول مشخص شده و در آخر به روش‌های تربیت عقلانی فارابی پرداخته شود و در آخر الگویی برای تربیت عقلانی با توجه به اندیشه‌های فارابی در حیطه عقل عملی تدوین و طراحی گردد. در این راستا، ابتدا معانی و مفاهیم مربوط به تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی توصیف شدند، سپس داده‌ها به روش موضوعی، کدگذاری و هم‌دسته شده و در مقوله‌های مجزا قرار گرفته و با نظام مقوله‌بندی قیاسی تحلیل شدند. در ادامه با توجه به تحلیل صورت‌گرفته گزاره‌های واقع‌نگر مربوط به اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در اندیشه فارابی به تفکیک مشخص شدند. پس از مشخص شدن و به دست آمدن گزاره‌ها در آخر با استفاده از روش استنتاجی فرانکنا (الگوی بازسازی شده) نتایج در قالب اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی به دست آمد.

شکل زیر مدل بازسازی شده‌ای از مدل فرانکنا ارائه نموده است که در آن (الف ۱) و (ب ۱) افزوده شده و آنچه در الگوی وی بود، به صورت (الف ۲) و (ب ۲) نشان داده شده است. (الف ۱) نشانگر «باید آغازین» و (ب ۱) نشانگر گزاره‌های واقع‌نگر است که در استنتاج از مجموع آنها، (الف ۲) به دست می‌آید که همان خانه اول در الگوی اصلی فرانکنا است. به این ترتیب، یک حلقه بر زنجیر استنتاجی وی افزوده می‌شود. همچنین (ج ۲)، در کنار (ج ۱)، برای نشان دادن جایگاه اصول در نظر گرفته شده است. در خانه (د) نیز «گزاره‌های مصداقی» افزوده شده است. در انتهای شکل نیز خانه (و) به عنوان «گزاره واقع‌نگر فنی» و خانه (ه ۲) به عنوان «فن تربیتی» افزوده شده است (باقری، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۲).



شکل ۱: الگوی بازسازی شده فرانکنا (باقری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳)

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و دستیابی به الگوی تربیت عقلانی بر اساس اندیشه فارابی با تأکید بر عقل عملی از روش پیش‌رونده استفاده شد. تجزیه و تحلیل مطالب در این پژوهش طی مراتب زیر انجام گرفته است:

- ۱- توصیف: در این مرحله به گردآوری اطلاعات بر اساس روش تحلیل محتوای قیاسی، در راستای توصیف نمودن مفاهیم مربوط به موضوع و عنوان تحقیق پرداخته شد و در ادامه، مفاهیم هم‌دسته شده و در مقوله‌های مجزا قرار گرفت.
- ۲- مشخص کردن گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی: در این مرحله گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در اندیشه فارابی مشخص شد.
- ۳- استنتاج اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در اندیشه فارابی: در این مرحله با توجه به بایدهای هنجارین استخراج شده از مبانی فلسفی فارابی و گزاره‌های واقع‌نگر که در مرحله دوم مشخص شدند، اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی در اندیشه فارابی به روش بازسازی شده فرانکنا استخراج شدند و با توجه به آنها الگویی طراحی شد.

۳-۱- **استنتاج اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی:** برای استنتاج اهداف تربیتی، از بایدهای آغازین، که از مبانی فلسفی اندیشه فارابی استخراج شده و نیز گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی، به منزله مقدمات یک استدلال قیاس عملی استفاده شد که نتیجه آن، هدفی از اهداف تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی است. بنابراین، الگوی (الف ۱ ب ۱ الف ۲) برای دست یافتن به اهداف چنین است:

- بایدهای آغازین
- گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی یا الهیاتی
- اهداف یا اصول بنیادی هنجارین

۳-۲- **استنتاج اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی:** دستورالعمل‌های کلی، که قاعده‌هایی را برای به وجود آوردن تغییرات مطلوب در انسان به دست می‌دهند، اصول تربیتی می‌نامند. برای اصول تربیتی را می‌توان از اهداف تربیتی و نیز گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی/الهیاتی/علمی، به‌منزله مقدمات یک استدلال قیاس عملی استنتاج کرد، که نتیجه آن، اصلی از اصول تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی است. در صورتی که مبنا فلسفی باشد، اصل فلسفی و اگر مبنا علمی باشد، اصل نیز علمی خواهد بود. می‌توان گفت که گزاره‌های واقع‌نگر در طرح مذکور با اصطلاح «مبنا» مورد بحث قرار گرفته‌اند. بنابراین، الگوی (الف ۲ ب ۲ ج ۲) برای دست یافتن به اصول چنین است:

- هدف تربیتی
- مبنا (گزاره واقع‌نگر مبنایی)
- اصل تربیتی (باقری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴).

۳-۳- **استنتاج روش‌های تربیت عقلانی در اندیشه فارابی:** برای استنتاج روش‌های تعلیم و تربیت می‌توان قیاس عملی فراهم آورد که دو مقدمه آن، به‌ترتیب، اصلی از اصول تعلیم و تربیت و گزاره‌ای معرف یکی از مصداق‌های اصل مذکور باشد و نتیجه آن، روشی از روش‌های تعلیم و تربیت، الگوی (ج ۲ د ۱) این استنتاج به‌صورت زیر خواهد بود:

- اصل تربیتی
- گزاره واقع‌نگر مصداقی
- روش تربیتی (باقری، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۲۷).

باورپذیری

پژوهشگران از راه‌های زیر برای افزایش باورپذیری تحقیق استفاده کرده است:
مطالعه منابع و تحقیقات متعدد در خصوص مسئله به‌صورت مستمر؛

• توجه به مبتنی بودن یافته‌ها بر موضوع تحقیق به منظور ارزیابی صحیح از تحلیل و تفسیرها؛

اطمینان‌پذیری

• اطمینان‌پذیری تحقیق حاضر طی مراحل زیر توسط پژوهشگران حاصل شده است:

• شناسایی منابع مرتبط با موضوع و گردآوری و ثبت داده‌ها؛

• تلفیق تمامی داده‌ها و تشکیل یک پایگاه اطلاعاتی و تقسیم‌بندی متن به بخش‌های معنادار یا

واحدهای تحلیل؛

• تدوین مقوله‌ها بر اساس شباهت مطالب عنوان‌دهی به هر مقوله و تقسیم هر مقوله به خرده

مقوله‌ها؛

• قرار دادن هر کدام از بخش‌ها در یک مقوله بر اساس موضوع؛

• در کنار هم قرار دادن تمام بخش‌های مربوط به یک مقوله، مرور مفاهیم و مقوله‌ها، مقایسه و

اصلاح؛

• استخراج گزاره‌های واقع‌نگر مربوط به هر بخش؛

• استخراج اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی به‌عنوان یافته‌های نهایی تحقیق و

نتیجه‌گیری با توجه به روش تحقیق.

یافته‌های پژوهش

۱- توصیف

جدول شماره ۱: کدهای مربوط به تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی از منظر فارابی

پاراگراف	کدهای استخراج شده
۱- استعداد مردمان در معارف و معقولات مختلف است؛ همین امر ایجاب می‌کند که هر فردی فطرتی ویژه خود داشته باشد، غیر از فطرت فرد دیگر (فارابی، ۱۳۶۱: ۱۸۷).	۱- مختلف بودن استعداد مردمان در معارف و معقولات
۲- قدرت تمییز به‌صورت اکتسابی به‌دست می‌آید و این نشان می‌دهد که اگر ضعفی از این نظر در فردی دیده می‌شود، به خاطر تفاوت ذاتی او نیست، بلکه غلبه شرایط است (فارابی، ۱۳۷۱).	۲- وجود فطرتی ویژه برای هر فرد غیر از فطرت فرد دیگر
۳- قضا یا در طول زندگی به تجربه برای انسان حاصل می‌شود و در او تمکن می‌یابد. قضایی که در ابتدا انسان واجد آنها نیست و به مرور زمان در او حاصل شده و رشد و افزایش می‌یابد و منجر به تقاض و برتری انسان‌ها می‌شود که در این جزء از نفس عقل نامیده می‌شود. در هر کس این قضا یا در اموری تکامل یافت، صاحب‌نظر در آن امور می‌شود.	۳- اکتسابی بودن قدرت تمییز
	۴- غلبه شرایط عاملی برای ضعف قدرت تمییز
	۵- عدم تأثیر تفاوت ذاتی در ضعف قدرت تمییز
	۶- حاصل شدن قضا یا در انسان به تجربه
	۷- وجود نداشتن قضا یا در ابتدا در انسان
	۸- رشد و افزایش قضا یا در انسان
	۹- اهمیت زمان در ایجاد قضا یا در انسان
	۱۰- تقاض و برتری انسان‌ها
	۱۱- تکامل یافتن قضا یا در امور = صاحب‌نظر شدن در آن امور

- ۱۲- پس صاحب‌نظر کسی است که هنگام اشاره به پذیرفته شدن رأی و نظر کسی بدون اقامه برهان چیزی رأی و نظر او بدون اقامه ی برهان بر آن مطلب، پذیرفته است. نیل به این مرتبه دشوار بوده و به ندرت با تکرار و کسب تجربه در طول زمان، انسان به این صفت نائل می‌گردد (فارابی، ۱۹۳۸: ۱۰-۹).
- ۱۳- عقل تجربی با تجربه و گذر زمان تکامل می‌یابد. اهمیت و کارکرد عقل تجربی در انسان، چنان است که عقل چیزی جز تجربه نیست و استكمال نفس با کثرت یافتن تجربه، صورت می‌پذیرد (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۱۰۰).
- ۱۴- فضیلت، استعداد گرایش به صفات نیکو در آدمی است. فضیلت از طریق تکرار به صورت عادت درمی‌آید. فضیلت در ارتباط با خیر و رذیلت مربوط به شر است. همه فضایل فطری و طبیعی نیست و هرکس ممکن است زمینه گرایش به نوعی از فضایل را دارا باشد. فضایل شامل فضایل نظری، فکری، اخلاقی و عملی است (فارابی، ۱۴۰۳: ۷۶).
- ۱۵- دشوار بودن نیل به این مرتبه تکرار و کسب تجربه در طول زمان امکان‌پذیر بودن رسیدن انسان به مرتبه صاحب‌نظر شدن
- ۱۶- تکامل عقل تجربی با تجربه و گذر زمان
- ۱۷- اهمیت و کارکرد عقل تجربی
- ۱۸- عقل چیزی جز تجربه نیست.
- ۱۹- استكمال نفس با کثرت یافتن تجربه
- ۶۸- فضیلت، استعداد گرایش به صفات نیکو در آدمی
- ۶۹- به صورت عادت درآمدن فضیلت از طریق تکرار
- ۷۰- فضیلت در ارتباط با خیر
- ۷۱- رذیلت مربوط به شر
- ۷۲- عدم فطری و طبیعی بودن همه فضایل
- ۷۳- وجود زمینه گرایش به نوعی از فضایل در هر فرد
- ۷۴- اخلاق متوسط = خلق جمیل
- ۷۵- سنجیدن متوسط هر فعلی با معیار سعادت
- ۷۶- وجوه امتیاز انسان‌ها
- ۷۷- اختلاف موقعیت‌ها
- ۷۸- تعیین حد وسط
- ۷۹- متوسط فی نفسه
- ۸۰- متوسط بالاضافه و القیاس
- ۸۱- متوسط در اخلاق و رفتار = متوسط بالاضافه والقیاس
- ۸۲- سنجیده شدن افعال و اخلاق نسبت به فاعل، زمان و مکان انجام فعل
- ۸۳- حاصل شدن فعل متوسط و خلق متوسط
- ۸۴- مراعات حد وسط در افعال اخلاقی
- ۸۵- حاصل شدن خلق نیکو
- ۸۶- خارج شدن از حد وسط
- ۸۷- حاصل شدن افعال قبیح و زشت
- ۸۸- افراط
- ۸۹- تفریط
- ۹۰- مرتبط بودن فطرت هر انسانی با آنچه وی شایسته حرکت به سمت آن است. هر انسانی برای رسیدن به کمال نیازمند همنشینی با دیگر مردم و اجتماع با آنهاست. در فطرت طبیعی این حیوان،
- ۹۱- رسیدن به کمال
- ۹۲- همنشینی با دیگر مردم

- ۹۳- سکونت و مجاورت با هم‌نوع قرار داده شده است؛ اجتماع با مردم
- ۹۴- لذا حیوان انسی و حیوان مدنی نامیده می‌شود فطرت طبیعی انسان
- ۹۵- (فارابی، ۱۴۰۳، ۶۲-۶۱). سکونت و مجاورت با هم‌نوع
- ۹۶- هیچ یک از انسان‌ها نمی‌توانند به کمالی که فطرتاً در پی آنند دست یابند، مگر به واسطهٔ اجتماع و تجمع گروه‌های بسیاری که یاری‌رسان یکدیگر باشند، چرا که انسان به شرطی به کمال نهایه - یافته که در حقیقت برای رسیدن به آن تحقق یافته- دست خواهد یافت که به کمک مبادی عقلانی برای نیل به این کمال، تلاش نماید؛ و نمی‌تواند برای این مبادی عقلانی کوشش کند، مگر با استفاده از اشیای زیادی از میان موجودات طبیعی و با انجام دادن کارهایی که با این کارها طبیعیات در رسیدن به کمال غایی و اقصی برایش مفید واقع شود. با تمام اینها برای انسان روشن می‌شود که هر انسانی به تنهایی فقط می‌تواند به بخشی از آن کمال دست یابد، چه بخش زیاد باشد یا کم؛ چون انسان نمی‌تواند به تنهایی بدون یاری انسان‌ها به کمال برسد (فارابی، ۱۴۰۳: ۴۳).
- ۹۷- انسان نه تنها در تأمین نیازهای اولیهٔ خود ناگزیر از تشکیل اجتماع است، بلکه رسیدن به کمال غایی و اقصی نیز بدون فراهم آمدن و تشکیل اجتماع و زندگی نمودن در آن، امکان‌پذیر نیست (فارابی، ۱۴۰۳: ۴۴).
- ۹۸- مردم در پذیرش بنیان‌های نخستین دریافت از روان‌بخش و بسیار بودن جایگاه‌های سرشت آنان در رسیدن به نیکبختی، گوناگون هستند (فارابی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۵).
- ۹۹- افراد مدینه که دارای طبقات و مراتب گوناگون‌اند، برای نیل به سعادت باید هم امور مختص به طبقهٔ خود را انجام بدهند و هم امور مشترک میان خود و دیگران را؛ و همین سبب می‌شود که ملکات فاضله در آنها پدید آید (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۲۹).
- ۱۰۰- راه رسیدن به سعادت را تحصیل علم نظری و عملی است و بدون تعاون و همکاری با دیگران وصول به سعادت ممکن نیست. انسان برای رسیدن به کمال و سعادت، باید با اجتماع و افراد رابطه برقرار کند. غرض انسان از تشکیل مدینه، نیل به سعادت است (فارابی، ۱۹۹۱).
- ۱۰۱- مدینهٔ فاضله، مدینهٔ مطلوب و مناسبی است که امکانات نیل به سعادت برای آن مهیا است، به
- ۱۰۲- دستیابی به کمالی که برای رسیدن به آن تحقق یافته
- ۱۰۳- تجمع گروه‌های بسیار یاری‌رسان به یکدیگر
- ۱۰۴- تلاش به کمک مبادی عقلانی
- ۱۰۵- استفاده از اشیای زیادی از میان موجودات طبیعی
- ۱۰۶- انجام دادن کارهای مفید در رسیدن به کمال غایی
- ۱۰۷- عدم امکان رسیدن به سعادت به تنهایی
- ۱۰۸- رسیدن به بخشی از کمال به تنهایی
- ۱۰۹- تأمین نیازهای اولیه
- ۱۱۰- رسیدن به کمال غایی و اقصی
- ۱۱۱- فراهم آمدن و تشکیل اجتماع و زندگی نمودن در آن
- ۱۱۲- متفاوت بودن در پذیرش بنیان‌های نخستین
- ۱۱۳- بسیار بودن جایگاه‌های سرشت در رسیدن به نیکبختی
- ۱۱۴- طبقات و مراتب گوناگون
- ۱۱۵- امور مختص به طبقهٔ خود
- ۱۱۶- انجام امور مشترک میان خود و دیگران
- ۱۱۷- پدید آمدن ملکات فاضله
- ۱۱۸- تحصیل علوم نظری و عملی راه رسیدن به سعادت
- ۱۱۹- تعاون و همکاری
- ۱۲۰- رسیدن به کمال و سعادت
- ۱۲۱- برقراری رابطه با اجتماع و افراد
- ۱۲۲- غرض انسان از تشکیل مدینه نیل به سعادت
- ۱۲۳- مدینهٔ مطلوب و مناسب
- ۱۲۴- مهیا بودن امکانات نیل به سعادت

۱۲۰- اجتماعی که افراد آن سعادت را می‌شناسند. عبارتی مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این سعادت غرض و غایت برساند، تعاون دارند (فارابی، ۱۹۹۶). است.

۲- استنتاج اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی در حیطه عقل عملی

گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به اهداف تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی عبارت است از:

- عقل چیزی جز تجربه نیست.
- اختیار عامل انجام افعال محموده و مذمومه و جمیل و قبیح در انسان است.
- فضیلت موجب نیکی و کمال ذات و افعال آن است.
- اعتدال در قوای شهویّه و غضبیّه و انقیاد آنها نسبت به عقل است.
- مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این غرض و غایت برساند، تعاون دارند.
- سعادت غایت قصوای آدمی است.

جدول شماره ۳: هدف غایی تربیت عقلانی در اندیشه فارابی

مقدمه ۱	باید آغازین	برای رسیدن به سعادت انسان باید به وصال خدا برسد.
قیاس عملی ۱	مقدمه ۲	مقدمه ۱
	گزاره واقع‌نگر	سعادت غایت قصوای آدمی است.
	نتیجه	نیل به الله به‌عنوان سبب اول در جهت رسیدن به سعادت

جدول شماره ۴: اهداف تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی

قیاس عملی ۱	مقدمه ۱	باید آغازین	فرد باید بتواند قوای خود را در مسیر صحیح آن فعال کرده و به کار گیرد.
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	عقل چیزی جز تجربه نیست.
	نتیجه	هدف	فعلیت یافتن قوه عاقله (خردورزی)
قیاس عملی ۲	مقدمه ۱	باید آغازین	انسان باید برای افعال محموده و مذمومه و جمیل و قبیح، ثواب و عقاب ببیند.
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	اختیار عامل انجام افعال محموده و مذمومه و جمیل و قبیح در انسان است.
	نتیجه	هدف	تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)
قیاس عملی ۳	مقدمه ۱	باید آغازین	انسان باید به نیکی و کمال ذات و افعال دست پیدا کند.
	مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	فضیلت موجب نیکی و کمال ذات و افعال آن است.
	نتیجه	هدف	ایجاد فضایل اخلاقی در میان امت‌ها

انسان باید دارای شخصیت معتدلی باشد که در آن قوه عاقله و ناطقه آن بر قوای دیگر برتری داشته باشد.	باید آغازین	مقدمه ۱	قیاس عملی ۴
اعتدال در قوای شهویه و غضبیه و انقیاد آنها نسبت به عقل است.	گزاره واقع‌نگر	مقدمه ۲	
ساختن شخصیت معتدل	هدف	نتیجه	
انسان‌ها برای رسیدن به سعادت باید با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند.	باید آغازین	مقدمه ۱	قیاس عملی ۵
مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این غرض و غایت برساند، تعاون دارند.	گزاره واقع‌نگر	مقدمه ۲	
تحقق مدینه فاضله	هدف	نتیجه	

-استنتاج اصول تربیت عقلانی در اندیشه فارابی در حیطه عقل عملی

گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی مربوط به بررسی اصول تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی عبارت است از:

- افراد هم در جسم و هم در عقل با یکدیگر متفاوت هستند. بنابراین زمینه‌های یادگیری آنها نیز متفاوت هستند.
- انسان‌ها بالطبع با قوای متفاوت و استعدادها متفاوت خلق شده‌اند.
- اخلاق اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است.
- اختیار، دلیل ثواب و عقاب دیدن انسان است.
- تحصیل فضایل، عامل ایجاد شناخت در انسان است.
- افعال وقتی متوسط باشد، خلق جمیل است، متوسط هر فعلی با معیار سعادت سنجیده می‌شود.
- مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این غرض و غایت برساند، تعاون دارند.
- فضیلت موجب نیکی و کمال ذات و افعال آن است.

جدول شماره ۵: دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که باید پرورش داد

فعلیت یافتن قوه عاقله (خردورزی)	هدف	مقدمه ۱	قیاس عملی ۱
انسان‌ها بالطبع با قوای متفاوت و استعدادها متفاوت خلق شده‌اند.	گزاره واقع‌نگر	مقدمه ۲	
با آموزش و پرورش دانش‌ها، مهارت و نگرش‌های مختلف با توجه به تفاوت افراد با یکدیگر باید زمینه‌های یادگیری آنان را فراهم کرد.	دانش، مهارت و نگرش	نتیجه	
تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)	هدف	مقدمه ۱	قیاس عملی ۲
اخلاق اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است.	گزاره واقع‌نگر	مقدمه ۲	
دانش و علوم مختلف که انسان آمادگی فراگرفتن آن را دارد باید به افراد مختلف آموزش داد.	دانش، مهارت و نگرش	نتیجه	

مقدمه ۱	هدف	تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	اخلاق اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است.
نتیجه	دانش، مهارت و نگرش	باید دانش و مهارت‌های لازم برای خودکنترلی به افراد مختلف آموزش داده شود.
مقدمه ۱	هدف	ایجاد فضایل اخلاقی در میان امت‌ها
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	فضیلت موجب نیکی و کمال ذات و افعال آن است.
نتیجه	دانش، مهارت و نگرش	فضایل مختلف باید به‌عنوان عامل نیکی و کمال ذات و افعال در افراد پرورش داده شود.
مقدمه ۱	هدف	ساختن شخصیت معتدل
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	افعال وقتی متوسط باشد خلق جمیل است متوسط هر فعلی با معیار سعادت سنجیده می‌شود.
نتیجه	دانش، مهارت و نگرش	مهارت و قوه تشخیص و تمییز خیر و شر باید در افراد پرورش داده شود.
مقدمه ۱	هدف	تحقق مدینه فاضله
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	به عبارتی مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این غرض و غایت برساند، تعاون دارند.
نتیجه	دانش، مهارت و نگرش	مهارت همدلی و همکاری باید در افراد پرورش داده شود.

جدول شماره ۶: اصول تربیت عقلانی در حیطة عقل عملی

مقدمه ۱	هدف	فعلیت یافتن قوه عاقله (خردورزی)
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	انسان‌ها بالطبع با قوای متفاوت و استعداد‌های متفاوت خلق شده‌اند.
نتیجه	اصل	اصل آمادگی
مقدمه ۱	هدف	تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	اخلاق اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است.
نتیجه	اصل	اصل تربیت‌پذیری (تأدیپ)
مقدمه ۱	هدف	تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	اختیار دلیل ثواب و عقاب دیدن انسان است.
نتیجه	اصل	اصل مسئولیت‌پذیری (عاملیت فردی)
مقدمه ۱	هدف	ایجاد فضایل اخلاقی در میان امت‌ها
مقدمه ۲	گزاره واقع‌نگر	تحصیل فضایل عامل ایجاد شناخت در انسان است.
نتیجه	اصل	اصل عدم تمامیت شناخت انسان
مقدمه ۱	هدف	ایجاد فضایل اخلاقی در میان امت‌ها

افراد هم در جسم و هم در عقل با یکدیگر متفاوت هستند. بنابراین زمینه‌های یادگیری آنها نیز متفاوت هستند.	گزاره واقع‌نگر	مقدمه ۲	قیاس عملی ۵
اصل استدرج	اصل	نتیجه	
ساختن شخصیت معتدل	هدف	مقدمه ۱	قیاس عملی ۶
افعال وقتی متوسط باشد، خلق جمیل است. متوسط هر فعلی با معیار سعادت سنجیده می‌شود.	گزاره واقع‌نگر	مقدمه ۲	
اصل اعتدال	اصل	نتیجه	قیاس عملی ۷
تحقق مدینه فاضله	هدف	گزاره واقع‌نگر	
مدینه فاضله اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این غرض و غایت برساند، تعاون دارند.	گزاره واقع‌نگر	اصل	
اصل تعاون	اصل		

۴- استنتاج روش‌های تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل نظری

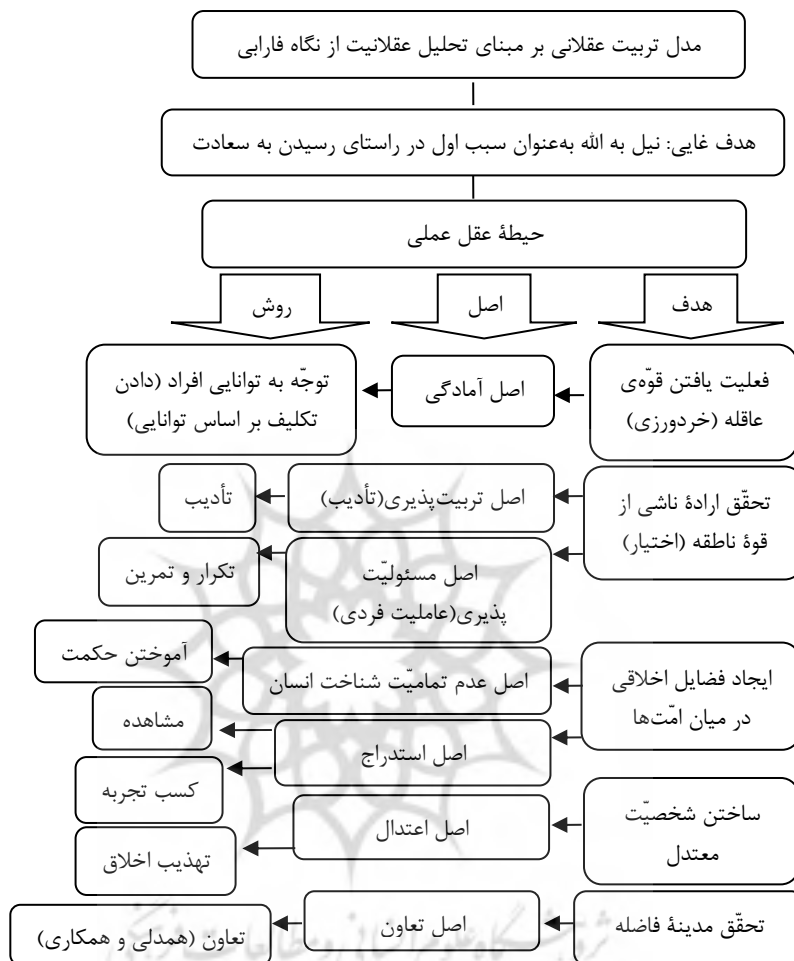
گزاره‌های واقع‌نگر روشی مربوط به بررسی روش‌های تربیت عقلانی فارابی در حیطه عقل عملی عبارت است از:

- فطرت همه انسان‌ها برای معقولات اولیه آمادگی ندارند، زیرا انسان‌ها بالطبع دارای قوای متفاوت و استعداد‌های متفاوت هستند.
- حصول برخی معارف برای انسان از راه حواس است.
- مراتب نیل به کمال برای انسان متدرج است و باید در طول زندگی و از طریق ممارست و ریاضت (تعلیم و تربیت) به آن مرحله برسد.
- لازمه استکمال نفس، تجربه و گذر زمان و کثرت یافتن تجربه است.
- تأدیب ایجاد فضایل خلقی و صناعات عملی در امم است.
- حکمت، معرفت به وجود خداوند است که مبدأ و مقصد همه موجودات است، اگر انسان به این شناخت برسد، از طریق معرفت عقلانی به سعادت و کمال خود، که بالقوه در وجود او نهاده شده و با تربیت به فعلیت می‌رسد، نائل می‌شود.
- تهذیب به معنای اصلاح نفس از اخلاق زشت است.
- هر انسانی برای رسیدن به کمال نیازمند همنشینی با دیگر مردم و اجتماع با آنهاست. در فطرت طبیعی این حیوان، سکونت و مجاورت با هم‌نوع قرار داده شده است؛ لذا حیوان انسی و حیوان مدنی نامیده می‌شود.

جدول شماره ۷: روش‌های تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی

قیاس عملی ۱	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	علوم و معارف و مهارت‌های مختلف را که انسان در جهت شکوفایی استعدادهای خود به آن نیاز دارد را باید در افراد پرورش داد.
	مقدمه ۲	اصل	اصل استدراج
	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	حصول برخی معارف برای انسان از راه حواس است. مشاهده
قیاس عملی ۲	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	با آموزش و پرورش دانش‌ها، مهارت و نگرش‌های مختلف با توجه به تفاوت افراد با یکدیگر باید زمینه‌های یادگیری آنان را فراهم کرد.
	مقدمه ۲	اصل	اصل استدراج
	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	لازمه استكمال نفس، تجربه و گذر زمان و کثرت یافتن تجربه است.
قیاس عملی ۳	نتیجه	روش	کسب تجربه
	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	دانش و علوم مختلف را که انسان آمادگی فراگرفتن آن را دارد باید به افراد مختلف آموزش داد.
	مقدمه ۲	اصل	اصل تربیت‌پذیری (تعلیم)
قیاس عملی ۴	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	فطرت همه انسان‌ها برای معقولات اولیه آمادگی ندارند، زیرا انسان‌ها بالطبع دارای قوای متفاضل و استعدادهای متفاوت هستند.
	نتیجه	روش	توجه به توانایی افراد (دادن تکلیف بر اساس توانایی)
	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	دانش و علوم مختلف را که انسان آمادگی فراگرفتن آن را دارد باید به افراد مختلف آموزش داد.
قیاس عملی ۵	مقدمه ۲	اصل	اصل تربیت‌پذیری (تأدیب)
	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	تأدیب ایجاد فضایل خَلقی و صناعات عملی در امم است.
	نتیجه	روش	تأدیب
قیاس عملی ۶	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	مهارت و قوه تشخیص و تمییز خیر و شر باید در افراد پرورش داده شود.
	مقدمه ۲	اصل	اصل اعتدال
	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	تهذیب به معنای اصلاح نفس از اخلاق زشت است.
قیاس عملی ۷	نتیجه	روش	تهذیب اخلاق
	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	مهارت همدلی و همکاری باید در افراد پرورش داده شود.
	مقدمه ۲	اصل	اصل تعاون
قیاس عملی ۸	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	هر انسانی برای رسیدن به کمال نیازمند همنشینی با دیگر مردم و اجتماع با آنهاست. در فطرت طبیعی این حیوان، سکونت و مجاورت با هم نوع قرار داده شده است؛ لذا حیوان انسی و حیوان مدنی نامیده می‌شود.
	نتیجه	روش	تعاون (همدلی و همکاری)

قیاس عملی ۷	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	با آموزش و پرورش دانش‌ها، مهارت و نگرش‌های مختلف با توجه به تفاوت افراد با یکدیگر باید زمینه‌های یادگیری آنان را فراهم کرد.
	مقدمه ۲	اصل	اصل مسئولیت‌پذیری (عاملیت فردی)
	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	مراتب نیل به کمال برای انسان متدرج است و باید در طول زندگی و از طریق ممارست و ریاضت (تعلیم و تربیت) به آن مرحله برسد.
	نتیجه	روش	تکرار و تمرین
قیاس عملی ۸	مقدمه ۱	دانش، مهارت و نگرش	فضایل مختلف باید به‌عنوان عامل نیکی و کمال ذات و افعال و ایجاد شناخت در افراد پرورش داده شود.
	مقدمه ۲	اصل	عدم تمامیت شناخت انسان
	مقدمه ۳	گزاره واقع‌نگر	حکمت، معرفت به وجود خداوند است که مبدأ و مقصد همه موجودات است، اگر انسان به این شناخت برسد، از طریق معرفت عقلانی به سعادت و کمال خود، که بالقوه در وجود او نهاده شده و با تربیت به فعلیت می‌رسد، نائل می‌شود.
	نتیجه	روش	آموختن حکمت

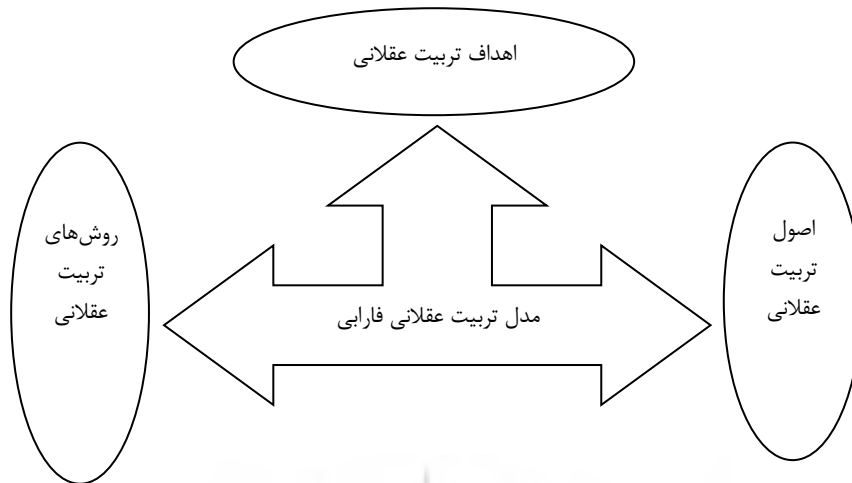


شکل ۲: الگوی تربیت عقلانی بر مبنای تحلیل عقلانیت از منظر فارابی منبع: مؤلف

بحث و نتیجه‌گیری

عقل همواره از ابعاد اساسی وجود انسان محسوب شده و مکاتب تربیتی هر یک با بینش خاص خود به بیان ماهیت و لزوم تربیت عقلانی پرداخته‌اند. بدیهی است که برداشت‌ها متفاوتی از معنی و مفهوم عقل و عقلانیت آدمی وجود دارد و هر یک از این برداشت‌ها می‌تواند منشأ صدور آرای متفاوت در زمینه تربیت عقلانی شود.

با بررسی و مطالعه اندیشه‌های فارابی نیز می‌توان الگویی برای تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی شامل اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی تدوین کرد.



شکل ۳: ارکان الگوی تربیت عقلانی فارابی

در زمینه اهداف تربیت عقلانی، با مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های مرتبط می‌توان گفت که:

برخی از نتایجی که در این پژوهش با نتایج دیگر پژوهش‌ها همسویی دارد عبارتند از: وصال حق (میرزا محمدی، ۱۳۹۴)، شناخت و ایمان به خدا، قرب الهی، اعتدال (هاشمی و نوروزی، ۱۳۸۹)، حصول فضایل چهارگانه (ربانی، نوروزی و قادری، ۱۳۸۸).

برخی از اهدافی که در این پژوهش به دست آمده، اما در پژوهش‌های دیگر به دلایلی مانند نگاه کلی به تعلیم و تربیت فارابی، در نظر نگرفتن بعد تربیت عقلانی فارابی به طور خاص، در نظر گرفتن بعد نظری تربیت عقلانی فارابی و بررسی تنها یکی از آثار فارابی (رساله فصوص الحکمه فارابی)، به دست نیامده‌اند، عبارتند از: فعلیت یافتن قوه عاقله (خردورزی)، تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)، ایجاد فضایل اخلاقی در میان امت‌ها.

تربیت عقلانی از نگاه فارابی اهداف مهمی دارد که در این پژوهش در قالب اهداف غایی و اهداف واسطه‌ای به بحث گذاشته شده است. از مجموع بحث‌های فارابی در خصوص عقل می‌توان نتیجه گرفت که هدف غایی تربیت عقلانی از نگاه فارابی نیل به الله به عنوان سبب اول است. سعادت در نظر فارابی عبارت است از صعود انسان به سوی خالق جهان و در این راه از عقل فعال استفاده می‌کند. سعادت نزدیک‌ترین مرحله به عقل فعال است.

در این راستا اهداف واسطه‌ای تربیت عقلانی از نظر فارابی در حیطه عقل عملی از این قرارند: فعلیت یافتن قوه عاقله (خردورزی)، تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه (اختیار)، ایجاد فضایل اخلاقی در میان امت‌ها، تحقق مدینه فاضله، ساختن شخصیت معتدل.

فارابی به صراحت بیان می‌کند که قدرت تمییز و تشخیص ارثی نیست و به صورت اکتسابی به دست می‌آید و این نشان می‌دهد که اگر فرد از این نظر دچار نقصان است، ارثی نیست، بلکه به علت تأثیر شرایط محیط و تربیت نادرست، این نقص ایجاد شده است. شرط لازم برای رشد عقلانی این است که فرد در معرض تجربیات جدید و مفید قرار گیرد؛ چراکه لازمه رشد و تکامل عقل تجربی این است که فرد با محیط تعامل داشته و کسب تجربه کند؛ یعنی این که به واسطه تجربه دانش جدید به دست می‌آید، پس تجربه باعث پختگی فرد می‌شود و خطاهای وی را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود که فرد کمتر از شیوه آزمایش و خطا استفاده کند.

فارابی و تعداد زیادی از اندیشمندان اسلامی در مکتب فکری خود ایجاد تعادل در قوای مختلف انسان از جمله شهویه و غضبیه و پایبند کردن آنها به عقل را هدف تربیت معرفی می‌کنند، به عبارت دیگر، هدف تربیت، ساختن انسانی است با شخصیتی معتدل که قوه ناطقه‌اش بر دیگر قوا برتری داشته و آنها را رهبری می‌کند. اعتدال در افعال اخلاقی نیز باید مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود تا اخلاق فرد نیکو شود، در غیر این صورت [افراط یا تفریط] اخلاق فرد زشت و ناپسند خواهد شد.

در دیدگاه فارابی اختیار بر اثر ارتباط قوه ناطقه با عقل فعال شکل می‌گیرد، که لازمه آن طی مراتب عقل در سایه تربیت عقلانی است، که باعث ایجاد معرفت عقلانی می‌شود.

فارابی در اندیشه خود لازمه رسیدن فرد به سعادت را ایجاد فضایل اخلاقی می‌داند. دسته‌ای از این فضایل، نطقی است، برای رشد و پرورش این فضایل در فرد و رسیدن فرد به درجات بالای فهم، باید تربیت عقلانی صورت بگیرد. به عبارت دیگر، تربیت عقلانی [ارتباط قوه ناطقه با عقل فعال] باعث ایجاد این فضایل اخلاقی در آدمی می‌شود.

در اندیشه فارابی سعادت و فضیلت از یکدیگر جدا نیستند، چراکه فضیلت آن است که موجب نیکو شدن و تکامل ذاتی و افعالی فضیلت یک چیز می‌شود. آنچه باعث برقراری این رابطه می‌شود افعال زیباست، یعنی اینکه آدمی برای رسیدن به سعادت باید فضایل را در خود به وجود آورد.

از نظر فارابی لازمه رسیدن به سعادت کسب علوم نظری و عملی است و رسیدن به این سعادت بدون همدلی و همکاری با دیگران امکان‌پذیر نیست. بنابراین، آدمی برای رسیدن به کمال و به تبع آن سعادت باید با افراد جامعه ارتباط داشته باشد. در دیدگاه فارابی هدف اصلی آدمی از شکل دادن مدینه، رسیدن به سعادت است.

فارابی مدینه فاضله را مدینه‌ای می‌داند، که مطلوب و مناسب است، و شرایط لازم برای نیل به سعادت در آن فراهم است، به بیان دیگر، مدینه فاضله جامعه‌ای است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آنها را به این هدف می‌رساند، با یکدیگر همکاری می‌کنند.

با توجه به اهداف تربیت عقلانی در اندیشه فارابی می‌توان اصولی را برای تربیت عقلانی استخراج کرد. با مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های مشابه می‌توان گفت که:

برخی از نتایج این پژوهش که با دیگر پژوهش‌ها همسویی دارند از این قرارند: ناکامل بودن شناخت انسان، تدریجی بودن شناخت انسان (میرزامحمدی، ۱۳۹۴).

اصول تربیت عقلانی که در این پژوهش با توجه به حیطه عملی در اندیشه فارابی به دست آمده، اما در پژوهش‌ها به آن توجه نشده، این چند نکته مهم هستند: آمادگی، تربیت‌پذیری (تأدیب)، اصل اعتدال، اصل تعاون و مسئولیت‌پذیری.

بنابراین اصول تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه فارابی در حیطه عقل عملی را می‌توان این‌گونه برشمرد: اصل آمادگی، اصل تربیت‌پذیری (تأدیب)، مسئولیت‌پذیری، عدم تمامیت شناخت انسان، استدراج، تعاون و اعتدال.

از نظر فارابی انسان‌ها به دلیل تفاوت‌های فردی دارای استعدادها و توانایی‌های متفاوتی هستند و توانایی دریافت معقولات در آنها با یکدیگر فرق دارد، در نتیجه نوع آموزش آنها نیز باید با یکدیگر متفاوت باشد. در این زمینه باید به این نکته توجه داشت که هر کس پیش از آموزش باید پیش‌زمینه‌های لازم را دارا باشد تا بتواند این معقولات را دریافت کرده و با پذیرفتن آنها بتواند مراتب کمال را طی کند. چیزی که در مسیر این آموزش باید در نظر گرفته شود این است که در طی کردن این مراتب کمال، باید از آسان به مشکل و به‌صورت تدریجی حرکت کرد.

یکی از اهداف تربیت عقلانی فارابی تحقق اراده ناشی از قوه ناطقه است که این اراده باعث ایجاد خیر و شر ارادی می‌شود و به همین دلیل انسان دچار ثواب و عقاب می‌شود و این ثواب و عقاب باعث می‌شود که حس مسئولیت‌پذیری در فرد رشد کرده و فرد خود را در قبال اعمال خود مسئول بداند.

با توجه به اصول به‌دست آمده در این پژوهش می‌توان روش‌هایی را برای رسیدن به این اهداف استخراج کرد. با مقایسه نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های مرتبط می‌توان گفت که: برخی از روش‌های تربیت عقلانی در اندیشه فارابی که با نتایج دیگر پژوهش‌ها همسویی دارند از این قرارند: تمرین و عادت، ترغیب به حکمت‌آموزی، واگذاری تکلیف در حد توان فرد (هاشمی و نوروزی، ۱۳۸۹)، کسب تجارب اجتماعی (برخوردراری و خوشدونی فراهانی، ۱۳۹۵)، مشاهده و کسب تجربه (عادلزاده نائینی، نوروزی و رحمانی، ۱۳۹۹).

روش‌های تربیت عقلانی که با توجه به اندیشه فارابی در این پژوهش به دست آمده، اما در پژوهش‌های دیگر به آن توجه نشده از این قرارند: مشاهده، تأدیب، تهذیب اخلاق، تعاون (همدلی و همکاری).

روش‌های تربیت عقلانی در حیطه عقل عملی از منظر فارابی می‌توان این‌گونه برشمرد: مشاهده، توجه به توانایی افراد (دادن تکلیف بر اساس توانایی)، کسب تجربه، تأدیب، تهذیب اخلاق، تعاون (همدلی و همکاری)، تکرار و تمرین و آموختن حکمت.

با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این روش‌ها همگی باعث ایجاد معرفت عقلانی شده و توجه به آنها می‌تواند در جهت کمال قوه ناطقه و ارتقای تربیت عقلانی با توجه به اهمیت و جایگاه آن در جوامع مدنی مؤثر و مفید باشد. در این مسیر برای تحقق این هدف می‌توان این پیشنهادها را ارائه داد:

- آموزش علوم مختلف، از جمله آموزش فلسفه به خصوص به کودکان به عنوان سرمایه‌های مدنی جامعه لازم است؛ که باید به طور جدی در مدارس و سیستم آموزشی مورد توجه مؤلفان کتب درسی و برنامه‌ریزان آموزشی باشد و برنامه‌ریزی دقیق در این زمینه صورت بگیرد؛ چرا که هدف نهایی یادگیری فلسفه، شناخت خداوند به عنوان علت فعال همه امور و مالک جهان بر اساس عقل و عدالت است و نیز متابعت از خالق جهان و عبادت اوست و این همان هدف غایی تربیت عقلانی در فلسفه فارابی است.

- از میان علوم مختلف فارابی برای علم منطق اهمیت خاصی قائل است و آن را در طبقه‌بندی علوم در مرتبه دوم معرفی می‌کند، زیرا منطق روش تفکر را آموزش می‌دهد و در تربیت عقلانی تأثیر بسزایی دارد، لذا باید در این راستا روش مشاهده دقیق و هدفمند پدیده‌های طبیعی و تفکر در آنها را به دانش‌آموزان آموزش داده و فعالیت‌هایی را در راستای پرورش این مهارت در برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس پیش‌بینی کرد.

- در تعاریف فارابی از عقل، عقل چهارم همان عقل تجربی است که در حوزه عقل عملی قرار می‌گیرد و می‌بایست به رشد و شکوفایی آن در تربیت عقلانی توجه کرد، لذا با توجه به اهمیت تجربه و تعامل با محیط در رشد و تقویت عقل تجربی، باید شرایط لازم برای تعامل فرد با محیط و کسب تجربه فراهم شود؛ چراکه هرچه این تعامل بیشتر شود، شرایط مناسب‌تری برای رشد عقل فراهم می‌گردد.

- با توجه به اهمیت تعاون و همکاری و جایگاه آن در تربیت عقلانی فارابی، استفاده از روش‌های فعال تدریس به‌ویژه روش‌های مشارکتی و گروهی مثل اعضای تیم می‌تواند در ایجاد روحیه تعاون و همکاری و در نتیجه ایجاد شرایط لازم برای تربیت عقلانی مؤثر باشد. استفاده از روش‌هایی مانند روش اکتشافی و حل مسئله در تدریس نیز باعث ایجاد زمینه برای تعامل

دانش‌آموزان با محیط و کسب تجربه و در نتیجه تربیت عقلانی می‌شود و توجه هرچه بیشتر به استفاده از این روش‌ها، می‌تواند در تدوین محتوا توسط مؤلفان کتب درسی و در تدریس توسط معلمان می‌تواند مفید و مؤثر باشد.

• از نظر فارابی انسان‌ها به مقتضای سرشت در زمینه دریافت‌های عقلی با یکدیگر متفاوت‌اند و در سرشت برخی از آنان، هیچ‌گونه زمینه دریافت معقولات نخستین وجود ندارد؛ بنابراین باید ویژگی‌ها و استعدادهای فطری انسان‌ها را شناخته و در آموزش، به‌خصوص در تدوین محتواهای درسی به آن توجه داشته باشیم.

• با توجه به اینکه هدف غایی تربیت عقلانی در اندیشه فارابی، نیل به الله به‌عنوان سبب اول، در مسیر تحقق سعادت است، باید برنامه‌هایی در راستای معرفی پدیده‌های طبیعی به‌عنوان مخلوق خداوند، تدوین شود؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموز ضمن قدردانی و استفاده از مشاهده و تجربه، پیوند پدیده‌ها به خالق هستی را دریابد.

• و در آخر می‌توان گفت که مدرسه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و مکانی که در آن دانش‌آموزان به‌عنوان یک محیط اجتماعی کوچک با یکدیگر تعامل دارند، می‌تواند نقش بسیار مهم و قابل توجهی در تربیت عقلانی داشته باشد و در راستای ارتقا و تکامل قوه ناطقه باید سرمایه‌گذاری ویژه‌ای در آن صورت گیرد و افرادی برای تصدی پست‌های تعلیم و تربیت انتخاب شوند که شایستگی‌های لازم را در این زمینه داشته باشند.

فهرست منابع

- Adelzadeh Naeyini, F. Norouzi, R.A., & Rahmani, J. (2020a). Develop a model of Farabi intellectual training with emphasis on theoretical reason. *Educational research*. 17 (78), 101-75. (Text in Persian)
- Adelzadeh Naeyini, F; Norouzi, R. A; Rahmani, Jahanbakhsh (2020b). Methods of acquiring knowledge in intellectual education from the perspective of Farabi. *Human Religious Research*, 17 (44), 162-140. (Text in Persian)
- Bagheri, Kh. & Sajjadih, N. (2015). *Research approaches and methods in philosophy of education*. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. (Text in Persian)
- Farabi, A. N. (1957). *Siasat Madine*. Translation and annotation: Sajjadi S.J. (Text in Persian)
- Farabi, A.N. (1982). *Opinions of the utopia*. Translated by Seyyed Jafar Sobhani. Tehran: Tahouri. (Text in Persian)
- Farabi, A. N. (2017). *Alsiasat Almadani*. Translation and illustration: Malekshahi, H. Tehran: Soroush. (Text in Persian)
- Farabi, Abu Nasr (1938). *Treatise on the Maani-o-Alaql*. Research by Bridge, M. Beirut: Dar Al-Mashreq. (Text in Arabic)
- Farabi, A. N. (1957). *Altanbih ala Sabil-o-Saadat. Altaliqat. Resalatan Falsafaytan*. Research: Al Yassin, J. Tehran: Hekmat. (Text in Arabic)
- Farabi, A. N. (1981). *Tahsil-o-Saadat*. Research by Al-Yasin, J. Beirut: daralandalus. (Text in Arabic)
- Farabi, A. N. (1983). *Fosoul-e-Montaze*. Research by Metri Najjar, F. Tehran: Al-Zahra School. (Text in Arabic)

- Farabi, A. N. (1986). *Altahlil*. Research by Rafiq Al-Ajam. Beirut: Dar Al-Mashreq. (Text in Arabic)
- Farabi, Abu Nasr (1991). *Aray Ahle Madine Fazele*. Research by Albir Nasri, N., Beirut: Dar Al-Mashreq. (Text in Arabic)
- Farabi, A. N. (1995). *Aray Ahle Madine Fazele and Mozadatha*. Introduction and Illustration: Ali Bo Molhem., Beirut: Al-Hilal School. (Text in Arabic)
- Farabi, A. N. (1996). *Siasat Almadine*. Introduction and Illustration: Ali Bo Molhem., Beirut: Al-Hilal School. (Text in Arabic)
- Flick, O. (2015). *An Introduction to Qualitative Research*. Translated by Jalili H. Tehran: Ney Press. (Text in Persian)
- Rabbani, R., Norouzi, R.A., & Ghaderi, M. (2009). An analysis of Farabi and Durkheim's educational thoughts. *Islamic Education*, 17(78), 75-101. (Text in Persian)
- Mirza Mohammadi, M.H. (2005). A study of the ideas and educational thoughts of Hakim Abu Nasr Farabi. *Journal of the Faculty of Humanities*, 14 (57), pp. 37-7. (Text in Persian)
- Mirza Mohammadi, M.H. (2015). Farabi's Epistemological Principles in the Treatise Fusus al-Hikma and Inference of its Educational Implications. *Journal of Principles of Education*, 5 (1), pp. 103-89. (Text in Persian)
- Norouzi, R.A. & Hashemi, F. (2010). An analysis of moral education according to Farabi's perspective. *ethical knowledge*, 2 (1). 95-114. (Text in Persian)
- Neton, I.R. (2015). Farabi School. Tehran: Elm Press. (Text in Persian)

